

## تأسیس مرکز وهابی در کابل را محکوم کنیم

سعدی زیبا کلام چه بجا فرمود که :  
ندهد هوشمند روشن رأی  
به فرومایه کار های خطیر  
بوریا باف اگر چه بافنده ست  
نبرندش به کار گاه حریر .

بلی عزیزان ! از سالهاست که متأسفانه بوریا بافان بی خبر از هنر بافت حریر، به دستگاه بافنده گی در کشور ما نشسته اند. یا بعبارة دیگر، از چندین سال بدینسو، افراد نا باب، نا استوار، نا آگاه از رمز و راز مردم داری و دنیای ظریف دیپلماسی، به کرسی حاکمیت و رهبری ملت ما دست انداخته اند. همین بوریا بافان حریر نشان یا جو فروشان گندم نما، آنچه داشته و دارند، همانا یک مشت لفظ و حرف و ژست و کرشمه است و بس. آنگاه که پا به میدان عمل و یا دهلیز آزمون گذاشته و یا میگذارند، نصیب شان چیزی جز ناکامی و بدنامی نبوده و نیست.

دراغانستان، این سرزمین کهنسال، داغدیده و پامال شده، معمولاً کسانی به سروری و حاکمیت رسیده و یا میرسند که هیچگاه نام نیکو، افتخار جهانی، رفاه و سعادت برای ملت محروم ما به ارمغان نیاورده اند و هیچگاه خدمتگزاری واقعی به ملت و رعایت عدالت و انصاف و همچنان پاسداری از انسان و انسانیت را درک نکرده اند.

اینان، هر آنچه میگویند، دروغ است و هر آنچه انجام میدهند، جز شرمساری و سر افکنده گی چیز دیگری به بار نیاورده و نخواهد آورد. حامد کرزی با زعامت منفی، ناکام و خجالت آور سیزده ساله اش، ظاهراً از صحنه رفت و میراث های ننگینی از خود بجا گذاشت. یکی از آنهمه میراث های خطرناک، ننگین و خون آلود وی، توافق رسمی با مقام های وهابی و تروریست پرور عربستان سعودی مبنی بر ساخت و ساز یک مرکز بزرگ و پُرخرچ بنام به

اصطلاح مرکز اسلامی در قلب شهر کابل بود که اینک خلف وی، ( آقای اشرف غنی )، قرار داد رسمی آنرا با وهابی های سعودی به امضا رسانید.

شاید باشند عده یی از هموطنان عزیز ما که به اصل و ماهیت این پروژه وهابی سازی و افراطگرایی مذهبی آگاهی کافی نداشته بگونه ساده لوحانه از این فیصله و اقدام حمایت بعمل آورند.

رژیم عربستان سعودی، هم از نظر مذهبی یک رژیم وهابی - سلفی عقبگرا و حامی جدی تند روی مذهبی درجهان است و هم یک دولت استبدادی ضد مردمی، ضد آزادی و ضد حقوق زنان میباشد. افراد خانواده سلطنتی، از سالها بدینسو، مجموع هستی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ملی مردم عربستان را به شکل بسیار ظالمانه و بیرحمانه آن قبضه کرده اند. یعنی تنها افرادی از یک خانواده (آنهم بی علم، بی هنر و بی فضیلت)، سرنوشت همه مردم آن کشور را در کف گرفته اند.

رژیم وهابی عربستان سعودی، با درآمد سرشار مالی از مدرک فروش نف، نه تنها غرق در عیاشی و فساد عمیق اداری و اخلاقی است، بلکه با استفاده از همین عواید سرشار و همسویی تنگاتنگ با ابرقدرت ایالات متحده امریکا و انگلیس، در بخش ملاسازی و تروریست پروری و خونریزی و دهشت افگنی در سراسر جهان، بخصوص در کشورهای اسلامی سخت مشغول و مشهور است .

رژیم وهابی و استبدادی عربستان سعودی، از سالهای اشغال افغانستان توسط قشون روس و دخالتهای امریکا و مزدوران منطقه یی آن در سرنوشت مردم ما که در تحت اسم و رسم " کمک به مجاهدین افغان " صورت گرفت، در امور حیات ملی و سیاسی و فرهنگی ملت افغانستان دخیل گردید. این دخالت ها و اربابی ها تا آنجا ادامه یافت که تحریکات ایدئولوژیک و مذهبی علیه اهل تشیع، خصومت ورزی با روشنفکران وطنپرست، اقدام علیه مجاهدان و مبارزان واقعاً آزادیخواه و بالاخره، در مخالفت با افکار و اراده وحدت ملی در داخل و خارج افغانستان را تا توانست دامن زد و به وهابی سازی برخی از تنظیم های جهادی و افراد دیگر پرداخت.

رژیم وهابی عربستان سعودی، در پروژه طالب سازی و به امارت رسا نیدن قاتلان وسیه دلان در افغانستان تلاش بخرچ داد و با اربابان امریکایی و انگلیسی و شیاطین پاکستانی، کارد را به استخوان مردم ما رسانید و امروز هم قاتلان و جانوران دیگری را بنام داعش و

النصره و غیره در خاک عراق و سوریه و یمن و جا های دیگر مسلح ساخته است تا خون هزاران هزار انسان بیگناه و بینوا را به زمین بریزانند که میریزانند.

یکی دیگر از پالیسی ها و پروژه های شیطننت آمیز این رژیم وهابی اینست که میکوشد در کشورهای مختلف اسلامی، از راه های ظاهراً اسلامی و مذهبی و تحت نام خدمت به اسلام، مراکز و مساجد متعدد وهابی را تأسیس نموده با تمویل مراکز مورد نظر، با استخدام معلمین سیاسی - وهابی، جذب جوانان معتقد و شست و شوی مغز و روان آنها، در هر گوشه و کنار دنیا جای پای خودش را بگشاید. چنانکه از قبل در خاک پاکستان صدها مرکز فساد بر انگیز را ایجاد کرده و با همدستی شبکه استخبارات نظامی پاکستان، خاک آن کشور را به پناه گاه ها و پرورشگاه های امن تروریستی مبدل نموده است .

به اعتقاد وهابی های سعودی، اکنون نوبت افغانستان و مردم پاک طینت آن فرا رسیده است تا با ایجاد یک مرکز بزرگ به اصطلاح اسلامی، آنهم در قلب شهر کابل و با مخارج هنگفت، پیکر علیل مردم عزیز ما را به سرطان افراطگرایی وهابیسیم، تاریک اندیشی و نفرت فزایی مذهبی مبتلا سازد.

هرگاه چنین نیست که گفتیم، آیا لازم نیست رژیم وهابی سعودی، پول گزاف بیشتر از یکصد ملیون دالری را که میخواهد در ساخت و ساز این مرکز به اصطلاح اسلامی به مصرف برساند، در راه رفع گرسنه گی، بی سرپناهی، با سواد سازی، صحت و سلامتی مردم مستحق افغانستان بکار اندازد؟ یا در بخشهای دیگر زنده گی اجتماعی باشندده های این خطه جنگزده گمک کند؟

هرچند ما از دولتهای غافل، سازشکار، بی درد و نا لایق افغانستان، انتظار اتخاذ تصامیم خردورزانه و میهن پرستانه را نداریم ، مگر باز هم از آقای اشرف غنی رییس جمهور جدید کشور تقاضا داریم، بادرک حساسیت ها و خطراتی که از ناحیه چنین یک " مرکز اسلامی " برای اولاد وطن در آینده متصور است، هرچه زود تر به اشتباهی که انجام گرفته، پی برده در فسخ و ابطال هرچه زودتر این قرار داد اسارت بار مذهبی و استعماری اقدام نماید. در غیر آن، مسوولیت عظیم هر آنچه از این ناحیه متوجه حال و هستی مردم افغانستان در آینده میگردد، مستقیماً بدوش وی خواهد بود.

از سوی دیگر، به همین وسیله، از تمام هموطنان گرامی، روشنفکران و آزادیخواهان تقاضا میکنیم، صدای اعتراض شان را در یک سطح گسترده جهانی بلند کنند تا این توطئه جدید استعماری در نطفه خنثی شود. (پایان)